

بررسی تطبیقی قلمرو عصمت پیامبر اسلام (ص)

از دیدگاه اشاعره، معتزله و امامیه

۲

محمد خانی

در بخش نخست این مقاله، در شماره ۶۹ این نشریه، عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مرحله قبل از بعثت از دیدگاه سه فرقه کلامی اشاعره، معتزله و امامیه مطرح گردید. اینک در این شماره به مراحل دیگری از این موضوع که با عنوان عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بعثت مطرح می‌گردد - و در دو بخش عصمت در دریافت و ابلاغ وحی و سایر گناهان قابل بررسی است - ادامه می‌یابد.

ب) عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بعثت
أ. عصمت در دریافت و ابلاغ وحی
دیدگاه اشاعره
عصمت انبیا در دریافت و ابلاغ وحی مورد اتفاق فرق اسلامی می‌باشد به طوری که هیچ مخالفی در این بخش وجود ندارد البته این اجماع فقط محدود به نفی هرگونه کذب و افترا از روی عمد می‌گردد و صدور سهو و خطا را شامل نمی‌گردد. برخی از بزرگان اشاعره نظیر قاضی ابوبکر باقلانی صدور سهو و نسیان را در این مرحله جایز شمرده‌اند. ایجی در شرح مواقف می‌نویسد: «اجمع أهل الملل والشرايع كلها على وجوب عصمتهم عن تعمد الكذب فيما دل المعجز

القاطع علی صدقهم فيه كدعوى الرسالة وما يبلغونه عن الله إلى الخلاق»^(۱).

فخر رازی نیز در کتاب عصمة الأنبياء، پس از بیان مراحل عصمت، در بخش عصمت در دریافت وحی می‌نویسد: «الثانی) ما يتعلق بجميع الشرايع والاحكام من الله تعالى واجمعوا على أنه لا يجوز عليهم التحريف والخيانة في هذا الباب لا بالعمد ولا بالسهو» و در مرحله تبليغ احكام می‌نویسد: «الثالث) ما يتعلق بالفتوى واجمعوا على أنه لا يجوز تعمد الخطأ فإمّا على سبيل السهو فقد اختلفوا فيه»^(۲).

او نظیر همین بیان را در کتاب تفسیر خویش نیز دارد.^(۳)

میبیدی یکی دیگر از اندیشمندان اشاعره در این باره می‌نویسد: «اما سهو و غلط اگر کسی پرسد که در انبیاء جایز است یا نه؟ جواب آن است که هر پیغام که از الله گذارند و هر چه از وحی حق گویند در ابتدا غلط و سهو بریشان در آن روا نیست در هیچ چیز که اگر در یک چیز غلط روا باشد پس در همه محتمل بود»^(۴).

دیدگاه معتزله

فرقه معتزله نیز مانند اشاعره در این مرحله قائل به عصمت انبیاء هستند و

آنان را از هر اقدامی ناروا چه به صورت سهو و چه به صورت عمد منزّه می‌دانند قاضی عبدالجبار در این باره می‌نویسد: «..أنّ الرسول لا بدّ من أن يكون منزهاً عن المنفريات جملة كبيرة أو صغيرة»^(۵) او در کتاب المغنی

۱. «اهل ادیان و شریعت‌ها بر وجوب عصمت پیامبران از کذب در ادعای رسالت در حالی که اعجاز قطعی بر صدق ادعای آنها دلالت می‌کند و نیز بر عصمت آنها در ابلاغ احکام به بندگان، اتفاق نظر دارند» ایجی، عبدالرحمن، شرح المواقیف، ج ۸، ص ۲۸۸.
۲. پیامبران در آنچه که مربوط به شریعت و احکام الهی است مصون از هرگونه تحریف و خیانتی هستند چه به طور عمد و چه به طور سهو» و در مرحله تبليغ احکام می‌نویسد: امت اسلام در آنچه مربوط به تبليغ دین (فتوی) است پیامبران را معصوم از خطای عمدی می‌دانند ولی در خطای سهوی اختلاف نظر دارند» رازی، فخرالدین، عصمة الأنبياء، ص ۹.
۳. رازی، فخرالدین، مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، ج ۱، ص ۴۵۵.
۴. میبیدی، ابوالفضل، كشف الاسرار وعدة الابرار، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۵۲.
۵. «همانا واجب است رسول از عموم گناهان کبیر و صغیره نفرت آور یا ک و مصون باشد» همدانی، الاسدآبادی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسة، ص ۳۸۷.

سرآمد همه فرقه‌های اسلامی و قائل به مطلق عصمت در انبیاء هستند؛ در این مرحله از عصمت نیز به طریق اولی قائل به عصمت می‌باشد به طوری که دانشمندان از سایر فرق در جایی که سخن

۱. ممتنع است پیامبر در بیان پیام خدا دروغ بگوید زیرا خدای حکیم که هدفش از بعثت پیامبران، تأمین مصالح بندگان است، اگر بداند کسی در بیان دین او دروغ می‌گوید، او را مبعوث نمی‌کند زیرا با حکمت او سازگار نیست.

۲. «ما هیچ گونه سهو و خطایی را از پیامبران درباره آنچه از ناحیه خداوند ابلاغ می‌کنند جایز نمی‌دانیم زیرا چنان که قبلاً گذشت فرقی درباره آنچه پیامبر ﷺ را از دایره مبلغ بودن خارج می‌کند نیست چه به صورت سهو می‌باشد و چه عمدی، چیزی را کتمان نماید یا دروغ بگوید» همدانی الاسدآبادی، عبدالجبار، المغنی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۸۱.

۳. «اصحاب ما معتقدند پیامبران از ارتکاب هرگونه خطایی که به اداء و تبلیغ دین مربوط می‌شود معصوم هستند بنابراین دروغ، و هرگونه تغییر و تبدیل احکام خدا و کتمان آنها و تأخیر بیان از وقت نیاز در دین جایز نیست و در آن چه از خداوند به مردم می‌رسانند اشتباه و سهوی انجام نمی‌دهند و از هرگونه عیب و نقص جسمانی مانند ناینایی و لکنت زبان به دور هستند» ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۹.

می‌نویسد: «... لا يجوز الكذب فيما يؤديه عن الله تعالى (لأنه تعالى مع حكمة ومع ان غرضه بالبعثة تعريف المصالح، لو علم أنه يختار الكذب فيما يؤديه) لم يكن ليعثه، لأن ذلك ينافي الحكمة»^(۱) باقلانی علاوه بر منع کذب، صدور هرگونه سهو و خطایی را نیز در این مرحله ممتنع می‌داند و می‌نویسد: «أنا لا يجوز عليه السهو والخطأ فيما يؤديه عن الله تعالى لمثل العلة التي تقدم ذكرها لأنه لا فرق في خروجه من أن يكون مؤدياً بين أن يسهو ويغلط أو يكتم أو يكذب فحال الكل يتفق في ذلك ولا يختلف»^(۲).

ابن ابی الحدید می‌نویسد: «قال أصحابنا: إن الأنبياء معصومون من كل خطأ يتعلق الاداء والتبليغ فلا يجوز عليهم الكذب ولا التغيير ولا التبديل ولا الكتمان ولا تأخر البيان عن وقت الحاجة ولا الغلط فيما يؤديه عن الله تعالى ولا السهو فيه ولا الإلغاز ولا التعمية»^(۳).

بنابراین فرقه معتزله نیز مانند سایر فرق در این مرحله از عصمت انبیاء قائل به مصون بودن ایشان از هرگونه لغزش و اشتباه چه به صورت عمدی و چه به صورت سهوی هستند.

دیدگاه امامیه

امامیه که در مسئله عصمت

از مسئله عصمت رانده‌اند به این مسئله تصریح کردند.

در عباراتی که از دانشمندان بزرگ شیعه در بخش عصمت انبیاء قبل از بعثت آوردیم به تصریح بر این مطلب تأکید داشته‌اند و ما به جهت رعایت اختصار از تکرار آنها در این جا خودداری نموده و طالبین را به بخش قبلی ارجاع می‌دهیم.

حاصل آن که طبق دیدگاه سه فرقه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مرحله به طور کامل برخوردار از عصمت بوده و هیچ خطا و لغزشی حتی به صورت سهوی نیز از ایشان سر نزده است. تنها در میان فرقه اشاعره قاضی ابوبکر باقلانی است که با این اجماع به مخالفت برخاسته و صدور سهو را در این مرحله از عصمت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله جایز دانسته است.

ب) عصمت از همه گناهان

مرحله دوم از مراحل عصمت، عصمت از گناهان می‌باشد. آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از گناهان معصوم بوده است؟ آیا تنها عصمت از گناهان کبیره کافی است و یا گناهان صغیره نیز مشمول ادله عصمت می‌باشد؟ محدودده عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله تا چه اندازه می‌باشد؟

برخی، از این مرحله از عصمت به عنوان عصمت در اعمال و رفتار یاد کرده‌اند.

گذشته از اختلافاتی که فرق اسلامی در این باره دارند در میان این سه فرقه هم اختلاف وجود دارد.

دیدگاه اشاعره

چنان که بیان شد در مرحله عصمت از گناهان در میان فرق اسلامی بین اندیشمندان آن فرق اختلاف وجود دارد این اختلاف در بین فرقه اشاعره نیز وجود دارد.

در کتاب شرح المواقف و شرح المقاصد درباره این مرحله از عصمت تقسیم‌بندی‌هایی انجام داده‌اند که بیان می‌گردد:

«گناهان یا کبیره‌اند یا صغیره و هر کدام یا به صورت عمدی انجام می‌شود یا سهوی. گناهان صغیره سهوی هم یا کم اهمیت و بی‌مقدارند (مانند دزدیدن یک حبه گندم) و یا کم اهمیت نیستند».

طبق عبارت کتاب شرح المقاصد عصمت پیامبران شامل موارد ذیل می‌گردد:

۱. گناهان کبیره به طور عمد (گناهان کبیره سهوی را جایز دانسته‌اند)

ولی صاحب شرح المواقف مخالف با آن است).

۲. گناهان کم اهمیت صغیره مانند دزدیدن یک حبه گندم (عمداً و سهواً).

در مورد ارتکاب عمدی گناهان صغیره‌ای که کم اهمیت محسوب نمی‌شوند و همچنین گناهان صغیره‌ای که کم اهمیت و ناچیز نیستند و به صورت سهوی انجام می‌گیرد؛ اجماع بر عدم عصمت دارند.

اما در مورد گناهان صغیره‌ای که به صورت عمد انجام می‌گیرند و پست نیستند باید گفت اگر چه برخی از ناقلین قول اشاعره عصمت در این مورد را به طور مطلق به اشاعره نسبت داده‌اند.^(۱)

اما طبق عبارات شرح مقاصد، برخی از اشاعره مانند امام الحرمین جوینی و ابوهاشم قائل به عدم عصمت می‌باشند تفتازانی در این باره می‌نویسد: «الأنبياء معصومون... عن الصغائر المنفردة وكذا تعدد غير المنفردة خلافاً لإمام الحرمین وأبی هاشم».^(۲)

ولی نظر صاحب کتاب شرح المقاصد در این مرحله (عصمت از گناه عصمت عمدی غیر نفرت آور) عصمت انبیاء می‌باشد چنان که عبارت «وكذا تعدد غير

المنفردة» گویای این مطلب است.

قاضی عضد ایجی نیز در شرح المواقف، می‌نویسد: «لنا علی ما هو المختار عندنا وهو انّ الأنبياء فی زمان نبوتهم معصومون عن الكبائر مطلقاً وعن الصغائر عمداً».^(۳)

در مورد گناهان کبیره سهوی و صغیره عمدی اگر چه در این قسمت به طور مطلق آن را نفی کرده‌اند اما عبارتی که در پایان این بخش از کتاب المواقف و شرح آن دیده می‌شود با عبارت فوق ناسازگار است او پس از بررسی آیاتی که متشابه در عدم عصمت پیامبران می‌باشد می‌نویسد: «واعلم أنّما طوّلنا فی مثل هذا ليعلم أنّ مسألة نسیان الأنبياء وسهوهم فی صدور الكبائر عنهم وتعمدهم الصغائر لا

۱. یوسفیان، حسن، شریفی، احمد حسین، پژوهشی در عصمت معصومان، پیشین، ص ۱۸۱.

۲. «پیامبران از گناهان صغیره نفرت آور و از ارتکاب عمدی صغیره غیر نفرت آور معصوم هستند بر خلاف نظر امام الحرمین جوینی و ابی‌هاشم» تفتازانی، مسعود بن عمر بن عبدالله، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۵۰.

۳. «اعتقاد و نظر ما آن است که پیامبران در زمان نبوت معصوم از گناهان کبیره عمدی و سهوی و صغیره عمدی هستند» ایجی، عبدالرحمن، شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۸۸.

قاطع فيه نفيًا»^(۱) در ادامه می نویسد: اگر ما قائل به ارتکاب گناهان کبیره سهوی هم بشویم منافات با حکم عقل ندارد و هیچ محالی لازم نمی آید سپس شارح موافق نتیجه می گیرد که باید این مسئله را به صورت یک قضیه امکانی رها کنیم و به طور مطلق در نفی یا اثبات آن سخن نرانیم.

فخر رازی در کتاب های «التفسیر الكبير» و «عصمة الأنبياء» همین موضع را اتخاذ کرده است او در کتاب «عصمة الانبياء» پس از ذکر اقوال در مسأله عصمت می نویسد: «...والذی نقول انّ الأنبياء عليهم الصلاة والسلام معصومون في زمان النبوة عن الكبائر والصغائر بالعمد اما على سبيل السهو فهو جائز».^(۲)

دیدگاه معتزله

اینان معتقدند که انبیا از تمامی گناهان کبیره و نیز گناهان صغیره ای که نفرت آور است معصوم می باشند. اما درباره گناهان صغیره ای که چنین نیست اختلاف دارند.

قاضی عبدالجبار در این باره در بخش صفات الرسول کتاب شرح الأصول الخمسه می نویسد: «الرسول لابد من أن يكون منزهاً عن المنفّرات جملة ككبيرة أو

صغيرة... فاما الصغائر التي لا حظ لها إلا في تقليل الثواب دون التنفير فانها مجوزة على الأنبياء ولا مانع يمنع منه»^(۳) او نه تنها این مطلب را بارها در کتاب «المغنی» متذکر شده، بلکه با اختصاص فصلی پیرامون این موضوع به تفصیل وارد این بحث شده و می نویسد: «فصل في أنّ الكبائر لا تجوز على الأنبياء عليهم السلام في حال النبوة» سپس به تبعیت از ابوهاشم دو دلیل بر اثبات این مطلب می آورد. در مورد گناهان صغیره آنها را به دو قسم تقسیم می نماید:

۱. گناهان صغیره ای که صدور آن صاحبش را در نظر مردم بی اعتبار

۱. «بدان ما این بحث را طول دادیم تا این که معلوم شود دلیل قطعی بر عدم صدور گناه کبیره سهوی و گناه صغیره عمدی نداریم» همان، ص ۲۹۳.

۲. «عصمتی که درباره پیامبران قائل هستیم در زمان نبوت و مربوط به گناهان کبیره و صغیره عمدی است ولی صدور گناه به طور سهوی جایز است» فخر رازی، عصمة الأنبياء، ص ۹.

۳. «واجب است رسول از هر گونه گناه نفرت آور، اعم از کبیره و صغیره پاک باشد... ولی گناه صغیره ای که تبعاتی جز تقلیل ثواب ندارند جایز است و هیچ مانعی ندارد» همدانی الاسدآبادی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، ص ۳۸۷.

این قسم از گناهان در این است که برخی ارتکاب عمدی این قسم از صغایر را جایز دانسته‌اند (مانند اشاعره) که ابن ابی الحدید این قول را به ابی هاشم نسبت می‌دهد. ابن ابی الحدید اضافه می‌کند که: برخی دیگر گفته‌اند: «معصومین هیچ گناه صغیره‌ای را مرتکب نمی‌شوند، اما در صورت مشتبه شدن امر و تأویل، تحقق این قسم از گناهان ممکن است». ابن، قول ابی علی جبائی است. اختلاف و قول سوم در این قسمت - که قول ابی اسحاق نظام و جعفر بن مبشر است - این است که

۱. «ما صدور گناه صغیره‌ای را که پست و نفرت آور باشد از پیامبران جایز نمی‌دانیم، همچنین دروغ گویی، و ارتکاب گناهان صغیره نفرت آور را جایز نمی‌دانیم».
۲. «گناه صغیره‌ای که فاعلش را سبک و خوار نمی‌کند از شخص پیامبر خدشه‌ای وارد نمی‌کند، زیرا چنین گناهی مانند کاستن از نوافل است و سبب خروج از ولایت خدا و تنفر مردم نمی‌گردد» همدانی اسدآبادی، عبدالجبار، المغنی، ج ۱۵، ص ۳۰۹.
۳. «اصحاب معتزله صدور هر گناه کبیره و نیز هر صغیره‌ای که صاحبش را خوار کند از پیامبران ممنوع دانسته‌اند اما صدور گناهان صغیره‌ای را که چنین نباشد جایز دانسته‌اند و برخی گفته‌اند بر پیامبر جایز است که عمداً اقدام به چنین گناهی بکند» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۷.

می‌سازد.
۲. گناهان صغیره‌ای که صدور آن صاحبش را بی‌اعتبار نمی‌سازد.

او صدور قسم اول را از پیامبران جایز می‌داند و می‌گوید تنها لازمه‌ای که برای این گونه گناهان بار می‌شود تقلیل ثواب است و اعتنایی به آنها نمی‌شود و در این گناهان هیچ نفرتی هم به وجود نمی‌آید و سبب خروج از ولایت الله نیز نمی‌گردد. او در این باره می‌نویسد: «أنا لا نجوز عليهم الصغائر إذا كانت منقرة ولذلك لم نجوز عليهم الكذب ولا الصغائر المستخفة»^(۱) و در مورد قسم دوم از این گناهان می‌نویسد: «إنَّ الصغیر الذی لا یستخف فاعله غیر معتد به لانه بمنزلة الاقلال من النوافل لانه لا یؤثر فی خروجه عن ولایة الله الی عداوته ولا له صفة فی نفسه تنفر...»^(۲)

ابن ابی الحدید هم نظیر همین عبارت را در شرح نهج البلاغه آورده است: «ومنع أصحابنا المعتزلة من وقوع الكبائر منهم علیهم الصلاة أصلاً ومنعوا أيضاً من وقوع الصغائر المستخفة منهم وجوزوا وقوع الصغائر التي لیست بمسخفة منهم ثم اختلفوا... فمنهم من جوز علی النبی الاقدام علی المعصية الصغیره غیر المستخفة عمداً...»^(۳) اختلاف آنها در

می‌گویند: «پیامبران ممکن است فقط در صورت سهو و فراموشی مرتکب عملی شوند و در عین حال مورد بازخواست نیز قرار گیرند زیرا شناخت انبیا نسبت به واقعیات و احکام الهی قوی‌تر است و بهتر می‌دانند که چگونه از خود مواظبت نمایند تا چیزی از خاطرشان محو نگردد و دچار سهو و فراموشی نشوند. اما این مؤاخذه و بازخواست در مورد عموم مردم انجام نمی‌گیرد».^(۱)

دیدگاه امامیه

امامیه در مرحله عصمت از گناهان در اعمال و رفتار معتقدند: انبیا در زمان نبوتشان خصوصاً پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از تمامی گناهان حتی گناهان صغیره‌ای که موجب نفرت مردم باشد معصوم بوده و هیچ‌گونه گناهی را در تمام این مرحله مرتکب نشده‌اند ولی صدور گناه صغیره‌ای که فاعلش را سبک نمی‌کند؛ در زمان قبل از نبوت‌شان توسط برخی از علمای امامیه جایز شمرده شده است.^(۲)

خلاصه و نتیجه

حاصل آن که طبق اعتقاد مشهور اشاعره پیامبران از انجام گناهان کبیره به طور مطلق و نیز گناه صغیره‌ای که پست

و خوار کننده هستند اما به صورت سهو انجام می‌گیرد و گناهان صغیره عمدی معصوم هستند. در مورد گناهان صغیره‌ای که پست نیستند اجماع بر عدم عصمت دارند. اما طبق دیدگاه غزالی و ابوهاشم ارتکاب گناهان عمدی غیر نفرت آور جایز است.

طبق دیدگاه معتزله عصمت پیامبران کمی گسترده‌تر از دیدگاه اشاعره می‌باشد زیرا این فرقه گناهان کبیره را به طور مطلق چه قبل از بعثت و چه پس از آن چه به طور عمدی و چه به طور سهوی جایز نمی‌دانند، معتزله علاوه بر ممتنع بودن صدور گناهان کبیره صدور گناهان صغیره را نیز ممتنع می‌دانند و تنها گناهان صغیره غیر نفرت‌آور را جایز دانسته‌اند که البته در این مورد نیز موضع یکسانی نداشتند و برخی همین مورد را نیز جایز ندانسته‌اند.

نظر امامیه بر عصمت مطلق و همه جانبه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همه امور است.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۲.
۲. شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، ص ۳۰.